

# آموزش موسیقی

ارقوس وقتی باساز خود در میان جنگل مینواخت حیوانات وحشی را می شده و به او نزدیک می شدند .... و این گوشاهی از یک افسانه قدیمی یونان است که اگرچه واقعیت نداشته باشد دلیلی است پرشت آگاهی یونانیان قبل از میلاد مسیح از اثر موسیقی و نوای مطبوع بر گوش موجودات زنده، آنها با این افسانه ثابت می کنند که موسیقی میتواند اثری شدید و خوب داشته باشد. موسیقی در هر دوره ای از تاریخ رکن اساسی و مهم اجتماعات بوده است و افراد اجتماع بنحوی برای یادگیری آن تربیت می شده اند.

یونانیها معتقد بودند انسان واقعی را طبیعت نمی سازد، انسان کسی است که آموزش دیده باشد و باز اضافه می کنند که تدریس هم نیست آنچه اهمیت دارد آموزش است، (که این خودمی رساند هر تدریسی حکم آموزش را ندارد) و این مطلب را چنین ادامه می دهند که : این سؤال ارزش دارد که، برای چه آموختی؟ و نه از که آموختی؟ برای همین آموزش در دوره آنتیک (تا قرن ۶ میلادی) درسه رشته خلاصه شده بود.

۱- موسیقی

۲- ورزش

۳- قواعد (شامل نوشتن و خواندن)

و این سه ماده تا قرن ها برای کودکان و نوجوانان با شکای معلوم استفاده می شد از همان زمان در مقابل تقویت جسم که با ورزش و حرکات متنوع آن جام می گرفت، تقویت روح با اصوات و خواندن آواز (موسیقی) قرار داشت، آنها برای جسم و روح ارزشی مساوی قابل بودند و اعتقاد داشتند که این تساوی باید همیشه برقرار باشد تا انسان به تکامل خود نزدیک شود، رکن سوم آموزش که با خواندن و نوشتن آغاز شده بود کم کم و با گذشت زمان وسیع

---

شدتا بهامروز که در مدارس و دانشگاهها با حساب و هندسه، مشق خط خواندن نوشتن، تاریخ، فیزیک، شیمی، فلسفه، هیئت، جامعه‌شناسی و جزاینها مشخص شده‌اند اما آیا با توسعه پیدا کردن یک رکن از ارکان اساسی «آموزش» منطقی است که از دور کن دیگر که در ابتدا حتی ارزش بیشتری را دارا بودند صرفنظر شود؟

درجائی که روح و جسم تفویت نشوند رکن سوم به چه کار آید؛ و آیا بهتر نیست که همزمان با آموزش همه مواد، موادی که خارج از روح و جسم مانسان‌ها هستند و زاده تحقیقات و آزمایش‌ها میباشند، آموزش موسیقی نیز گنجانیده شود، تا با آرامش دادن روح، قدرت کلی و مطالعه و تحقیقات در راه پیشرفت جامعه بشری افزایش یابد؟

در اکثر مدارس اروپائی و آمریکائی موسیقی‌مانند همه دروس در بر نامه کودکان و نوجوانان گنجانیده شده است و بسیاری از موسیقی‌شناسان برای بدست آوردن یک روش آموزش جدید و مناسب، سالها زحمت کشیده‌اند و فعالیت نموده‌اند، همانطور که کارل ارف و مژولتان کودای و بسیاری دیگر بعد از سال‌های زیاد و تجربیات بی‌شمار توانستند روش‌های تدریسی جدید ارائه کنند.

روشی که بازمان تطابق وهم آهنگی داشته است، منظور از آموزش موسیقی نواختن یک‌ساز و یا شرکت در یک گروه آواز جمعی نیست یک کودک می‌باید در ابتداء بصورت کاملاً طبیعی و بدون هیچ‌گونه فشار و قیدی که طبعاً برای نواختن یک ساز بطور جدی وجود خواهد داشت با موسیقی (اصوات و ریتم‌ها) آشناشود. حرکت کودک بایک آهنگ پر ملوودی و ریتم دار برایش خوش‌آیند و مطبوع است زیرا ریتم و ملوودی هر دو در انسان وجود دارند و با او غریب نیستند، و این ثابت شده است که اگر در صد حس موسیقی در افراد متفاوت است دلیلی ندارد که وجود آن را بتوان انکار کرد و بهمین جهت مقدمات آموزش موسیقی میتوانند کاملاً ابتدائی و در عین حال بسیار موثر باشد.

سازهای آموزشی و ساده مانند فاوت (رکوردر) و یا سازهای ضربی و ملوودیک (سازهای ارف- سیلوфон) و یا حرکت دسته جمعی با موسیقی و خواندن ملوودی‌های ساده بامتن قابل درک برای کودکان مقدمه‌ایست مناسب که کودک

را برای پله‌های بعدی وجودی موسیقی آماده می‌سازد در عین حال در زندگی کودکانه اوتونوی نزیبا بوجود می‌آوردند، زیرا موسیقی برایش پدیده‌ای است بین مواد درسی و بازی‌های مختلف، همچنین برای اوجنبه آموزنده دارد زیرا به تمرکز حواس و تقویت حس مسئولیت او کمک می‌کند و در آنها نیز از نتیجه آن خشنود و راضی خواهد بود.

با یک مقدمه، کوتاه آموزشی، کودک آمادگی پیدامی کند که در سنین نوجوانی با موسیقی چنان‌مانوس شود که وقت خالی‌خود را بجای اتلاف، با آن پر کند و اگر انسانی توانست زندگی خود را بین پایه بر ساند مسلمًا از آرامش کم‌یابی برخوردار خواهد شد.

بنظر من در زندگی ماشینی و پر جنجال امروز بیشتر از یو نان و روم قدیم موسیقی و آموزش آن ضرورت دارد، به افکار درهم و نا آرام ناشی از زندگی پر هیاهو و صنعتی مردم این دوره چطور میتوان کمک کرد؛ وقتی موسیقی را غذای روح مینامیم چرا از رساندن این غذا خودداری کنیم؟

در محیط ما و با افرادی که ذاتاً احساساتی لطیف دارند و باصطلاح موزیکال هستند، آموزش موسیقی باید از دوران کودکی و زمانی که بشر آمادگی کامل دارد تا دنیای خود را بشناسد با روش صحیح آغاز شود.

کنسرت و اپرا مرتبه بر روی صحنه می‌آید اما تماس‌آچی‌ها همیشه افراد محدودی هستند که در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند. فرجه منابع قابل استفاده برای راهنمائی افراد علاقه‌مند به این برنامه‌ها وجود ندارد و هنوز نیمی از تماس‌آچیان سو نات را از سمعونی تشخیص نمیدهند، این ها همه بعده ده یک روش آموزش صحیح است که افراد را برای استفاده بیشتر از برنامه‌های ارائه شده آماده سازد و با این ترتیب به تقویت و آرامش روح اجتماع کمک بزرگی نماید.

### «کاملیا»